

ژوئیه ششم حقوق کیفری

سال ششم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴

صفحات ۱۷۹-۱۵۵

حکم جرایم مرتبط در جرایم تعزیری

دکتر جلال الدین قیاسی ✉

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه قم

احسان یاوری

دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه قم

چکیده:

ارتباط جرایم در معنای عام، به شکل‌های مختلف قابل تصور است که ناشی از وحدت جرم توسط مجرمین متعدد یا تعدد جرم با وحدت مرتکب و یا وحدت انگیزه (داعی) مجرمین متعدد است. علاوه بر این در حالت تعدد مادی (واقعی) می‌توان قائل به نوعی ارتباط بین برخی از جرایم در معنای خاص بود که با وجود دارا بودن عنوان مستقل مجرمانه، قابلیت تفکیک از یکدیگر را نداشته و بیشتر ارتکاب آنها با هم صورت می‌پذیرد و به همین جهت آنان را جرایم مرتبط می‌نامند. در خصوص جرایم مرتبط در حالت خاص سه دیدگاه مشخص قابل ذکر است؛ دسته‌ای قابل به وحدت این جرایم بوده، دسته‌ای این جرایم را تعدد معنوی تلقی نموده و دسته آخر هم این جرایم را مستقل دانسته و تعدد مادی را محقق می‌دانند. در این تحقیق ضمن بررسی رویه تقنینی و قضایی، ادله هریک از نظریات مذکور طرح شده و نهایتاً نظریه مختار و دلایل پذیرش آن بیان می‌گردد.

کلید واژه‌ها: جرایم مرتبط، تعدد جرم، تعدد مادی، تعدد معنوی

۱۳۹۲/۶/۹

تاریخ دریافت:

۱۳۹۴/۶/۲۳

تاریخ پذیرش نهایی:

✉ پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

jalalghiasi2001@yahoo.com

تعدد جرم از جمله مسائل مبتلا به دادرسی‌های کیفری است که مراد از آن ارتکاب چندین جرم توسط یک فرد قبل از اعمال مجازات است. طبیعی است ارتکاب چندین عمل مجرمانه توسط یک فرد، نسبت به زمانی که یک عمل مجرمانه ارتکاب می‌یابد، حاکی از حالت خطرناک‌تر مجرم برای جامعه است و در صورت عدم برخورد مناسب با چنین مجرمی، تکرار جرم در آینده از احتمال بیشتری برخوردار خواهد بود. از این رو اقسام نظام‌های کیفری برخورد شدیدتری با حالت تعدد جرم را تجویز نموده‌اند که البته نوع برخورد و تعیین میزان مجازات، حسب پذیرش نظریه‌های مختلف درباره مجازات مرتکبین جرایم متعدد متفاوت است. صرف نظر از تعریف‌های ارائه شده درباره تعدد جرم و فلسفه چگونگی تعیین مجازات برای این دسته از جرایم، مقوله‌ای خاص از بحث تعدد جرم در حالت اختلاف عناوین مجرمانه محل بحث این مقاله است که از آن با عنوان «جرایم مرتبط» یا «لازم و ملزوم» یا «جرایم غیر قابل تفکیک» یاد می‌شود.

ارتباط جرایم در معنای عام، به شکل‌های مختلف قابل تصور است که ناشی از وحدت جرم توسط مجرمین متعدد یا تعدد جرم با وحدت مرتکب و یا وحدت انگیزه (داعی) مجرمین متعدد است. اگر افراد متعددی در وقوع جرمی واحد مداخله داشته باشند این نوع ارتباط در قالب شرکت و معاونت اتفاق می‌افتد. وحدت داعی یا انگیزه نیز در حالتی اتفاق می‌افتد که تعدادی از افراد با انگیزه واحد مرتکب جرایم متعدد، خواه مشابه و خواه متعدد شوند. مانند جایی که گروهی در جریان اغتشاش و آشوب، با انگیزه واحد و بدون هماهنگی و ارتباط با یکدیگر، نسبت به انجام افعال مجرمانه متعددی اقدام می‌نمایند. در این حال وجه ارتباط این جرایم وجود انگیزه‌ای واحد برای مرتکبین این جرایم است که فصل مشترک آن‌ها محسوب می‌گردد. صورت سوم از ارتباط جرایم در جایی است که فرد واحدی مرتکب افعال مجرمانه متعدد گردد. در این صورت نیز ممکن است جرایم مشابه یا متفاوت باشند.

علاوه بر وجود ارتباط بین جرایم در معنای عام که شرح آن گذشت، در حالت تعدد مادی (واقعی) می‌توان قائل به نوعی ارتباط بین برخی از جرایم در معنای خاص بود. وجود ارتباط بین جرایم در معنای خاص زمانی است که با وجود دارا بودن عنوان مستقل مجرمانه، قابلیت تفکیک از یکدیگر را نداشته و بیشتر ارتکاب آنها با هم صورت می‌پذیرد. جرایم مرتبط در یک معنای کلی توسط حقوقدانان به صورت‌های زیر تعریف شده است:

«جرایمی که به لحاظ مادی مشخص بوده ولی در موقع ارتکاب، یک رابطه منطقی و درونی بین آنها وجود دارد، به طوری که به منزله جرم واحد تلقی شود و بر حسب ارتباط

شدید و خفیف آنها با یکدیگر آنها را جرم غیر قابل تقسیم و یا جرایم مرتبط می‌نامند.» (علی آبادی، ۱۳۶۷: ۲۵۶).

این نوع از ارتباط را برخی از حقوقدانان این‌گونه محقق دانسته‌اند: «دو یا چند جرم وقتی بهم مرتبط‌اند که بعضی از آنها مقدمه بعضی دیگر بوده و یا به مناسبت بعضی دیگر ارتکاب یافته و یا تحقق بعضی وابسته به تحقق بعضی دیگر باشد. مانند کشتن گواه به قصد از بین بردن دلیل قتل عمدی» (آخوندی، ۱۳۶۵: ۱۶۷) برخی دیگر جرم مرتبط را جرمی در ارتباط مستقیم با جرم مهمتر دانسته که ممکن است قبل یا بعد یا همزمان با جرم مهمتر رخ دهد مانند حمل سلاح برای سرقت، قتل در حین سرقت و مخفی کردن مال مسروقه. (زراعت، ۱۳۸۷: ۳۷۲)

حکم پاره‌ای از مصادیق جرایم مرتبط مانند شرکت و معاونت در قانون به روشنی مشخص شده است اما در خصوص برخی از مصادیق بر خلاف قانون‌گذار پیش از انقلاب، قوانین بعد از انقلاب به صراحت تکلیف دادرس را مشخص ننموده است که خود این بلا تکلیفی باب اقسام برداشت‌های متفاوت از قانون را باز خواهد کرد. مراجعه به رویه قضایی و حتی نظرهای حقوق دانان نیز راهگشای خروج از ابهام نیست چراکه درباره این موضوع، نظرات مختلف و متفاوتی مطرح شده و حتی در روند دادرسی آراء مختلفی در این زمینه صادر گردیده است.

در مجموع، نظریات و دیدگاه‌های طرح شده را به سه دسته می‌توان تقسیم بندی نمود؛ گروهی به وحدت جرایم مرتبط نظر داشته و جرم مقدم یا مؤخر را داخل در جرم اصلی می‌دانند. این گروه مجازات جرم اصلی یا مهم^۱ را کافی دانسته و حکم نمودن به مجازات جرم مقدم یا مؤخر را جایز نمی‌دانند. دسته‌ای دیگر جرایم مرتبط را همانند تعدد معنوی جرایم دانسته و حکم آن را بر جرایم مورد بحث جاری می‌سازند. دسته سوم، هریک از جرایم را به‌طور مستقل نگرینسته و نظر به عدم تداخل جرایم مرتبط در یکدیگر داشته و برای هر عمل ارتكابی قایل به تحقق عنوان مستقل مجرمانه هستند. نتیجه دیدگاه دسته اخیر این است که در زمان حکومت قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ بر اساس ماده ۴۷، حکم به جمع مجازات‌های جرایم مرتبط داده می‌شد و در حال حاضر نیز طبق ماده ۱۳۴ قانون مجازات

۱. جرم اصلی همان جرمی است که در کانون توجه مجرم است و تمامی اعمالی که قبل و بعد از آن صورت می‌گیرد در راستای تحقق آن است به گونه ای که بدون آن مجرم انگیزه ای برای انجام جرایم دیگر ندارد. مثلا کسی که قصد قتل دیگری را دارد ممکن است قبل از قتل اسلحه غیر مجاز تهیه کند، مرتکب جرم ورود غیر قانونی به منزل دیگری شود، برای ساکت نمودن دیگران آنانرا تهدید کند و پس از قتل جسد را بسوزاند و امثال آن.

اسلام ۱۳۹۲، هر یک از عناوین جرایم مرتبط، بصورت مستقل، در عداد عناوین مجرمانه ارتكابی در نظر گرفته می‌شود.^۱

با این وجود پرسش اصلی مقاله حاضر این است که، از میان دیدگاه‌های موجود، برای حل مسأله جرایم مرتبط، کدامیک با توجه به اصول حقوقی، منطقی‌تر و مناسب‌تر می‌باشد؟ جهت پرهیز از گسترش موضوع مورد بحث و محدود کردن آن توجه به نکات زیر لازم است:

- ۱- ارتباط جرایم در معنای خاص به سه شکل قابل تصور است؛ الف) برای ارتكاب جرم اصلی نیاز به اقدامات و اعمالی است که به واسطه آنها زمینه برای جرم اصلی که مقصود مجرم است، فراهم می‌آید مانند تخریب دیوار برای انجام سرقت، که این‌گونه جرایم را در اصطلاح «جرایم مرتبط اولیه» می‌نامیم. ب) ارتكاب جرایم در یک زمان صورت می‌گیرد و تقدم و تأخر بین آنها وجود ندارد مانند قتل در حین سرقت؛ در این صورت به اصطلاح این جرایم را «جرایم مرتبط همزمان» نام‌گذاری می‌نماییم. ج) زمانی است که مجرم پس از ارتكاب جرم اصلی دست به اقدامات و جرایمی می‌زند که به واسطه این اقدامات، یا آثار جرم خویش را پوشانده و مخفی کرده و یا با ارتكاب اعمال ثانویه عمل مجرمانه اصلی خویش را تکمیل نموده و یا از آن عمل انتفاع حاصل می‌نماید مانند جعل و استفاده از سند مجعول؛ قتل و مخفی نمودن جسد مقتول و یا خریدن مشروبات الکلی و مصرف آن. در حالت اخیر عنوان اصطلاحی «جرایم مرتبط ثانویه» را به کار می‌بریم. لازم به ذکر است انتخاب قید اولیه، هم‌زمان و ثانویه برای جرایم مرتبط، با توجه به تقدم یا تأخر و یا همزمانی ارتكاب جرایم مرتبط نسبت به جرم اصلی است. دلیل این نام‌گذاری سهولت و دقت بیشتر در اشاره به موارد مورد بحث است.
- ۲- باید توجه داشت، در صورتی که جرایم متعدد روی هم دارای عنوان خاص مجرمانه باشند، مورد از مصادیق قسمت اخیر ماده ۴۷ قانون سابق و تبصره ۲ ماده ۱۳۴ قانون جدید

۱. با توجه به قانون جدید اگر چه دیگر بحث جمع مجازات‌ها مطرح نیست ولی بازهم لزوم بحث از جرایم مرتبط باقیست. زیرا اولاً، ضرورتاً مجازات جرم اصلی، مجازات اشد نیست بلکه ممکن است مجازات جرم مقدم یا مؤخر اشد از مجازات جرم اصلی باشد. ثانیاً، قانونگذار در صورت وجود بیش از سه عنوان مجرمانه اجازه اضافه نمودن به حداکثر میزان مجازات تا نصف مجازات مقرر را داده است که در صورت تلقی هر یک از عناوین جرایم مرتبط به صورت مستقل، این تلقی مستقل می‌تواند در حدوث نصاب مذکور تعیین کننده باشد. البته در صرف جرایم مرتبط بندرت با بیش از سه جرم مواجه هستیم؛ اینکه تلقی وحدت یا استقلال جرایم مرتبط می‌تواند در نصاب بیش از سه جرم مؤثر باشد عمدتاً در فرض تحقق جرایم مرتبط بعلاوه سایر عناوین مستقل مجرمانه توسط یک نفر می‌باشد.

بوده و از محل بحث خارج است.^۱ به عنوان مثال یکی از عناصر جرم سرقت حدی هتک حرز است که به تنهایی می‌تواند به عنوان جرم تخریب مجازات گردد، ولی اگر همراه با سرقت و جمیع شرایط اثبات حد سرقت باشد فقط مجازات سرقت حدی بر مرتکب بار می‌گردد؛ و نیز سرقت همراه با آزار و یا سرقت مسلحانه که قانون‌گذار با ذکر هر عمل مجرمانه، همه را تحت عنوان واحدی قرار داده است. در این موارد در واقع قاعده عام تعدد جرم تخصیص زده شده و همان‌گونه که قسمت اخیر ماده ۴۷ سابق و تبصره ۲ ماده ۱۳۴ قانون جدید مجازات اسلامی تأکید دارد اکتفاء به مجازات مقرر در قانون برای عنوان خاص مجرمانه کفایت می‌نماید.

با این وصف باید گفت آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد تنها جرایم مرتبط در معنای خاص و با در نظر داشتن انواع سه گانه آن می‌باشد. پس پرداختن به جرایم مرتبط در معنای عام و نیز جرایم موضوع قسمت اخیر ماده ۴۷ سابق و تبصره ۲ ماده ۱۳۴ جدید، خارج از موضوع بحث حاضر خواهند بود.

۳- جرایم مشمول حدود، قصاص و دیات، قواعد مستقلی درباره تعدد و تکرار جرایم دارند و ماده ۴۷ قانون سابق و ماده ۱۳۴ قانون جدید مجازات اسلامی فقط ناظر به جرایم تعزیری است. بنابراین محدوده موضوع این مقاله تنها جرایم تعزیری بوده و بحث درباره حدود، قصاص و دیات خارج از محل بحث می‌باشد.

براساس آنچه که گذشت، ابتدا رویه تقنینی و قضایی موجود، در موضوع مورد بحث به صورت مختصر بیان شده و در ادامه دیدگاه‌های سه گانه مورد اشاره درباره جرایم مرتبط تبیین می‌گردد؛ در نهایت نیز نظر مختار و ادله آن شرح و بسط داده می‌شود.

۱. به نظر می‌رسد عمل به حکم مواد قانونی مذکور در صورتی است که ذیل عنوان خاص مجرمانه به تک تک اجزاء مستقیماً و مصداقاً تصریح شده باشد؛ در غیر این صورت، اگر یک عنوان عام، جزئی از اجزا تشکیل دهنده عنوان کلی باشد در صورت ارتکاب یکی از مصادیق عنوان عام که دارای وصف مجرمانه است، با توجه به دلایلی که در ادامه مقاله خواهد آمد، حکم به تعدد مادی به صواب نزدیک‌تر است. مثلاً جرم کلاهبرداری این-گونه تعریف شده است: «بردن مال غیر از طریق توسل به وسایل متقلبانه» حال اگر کسی با استفاده از سند مجعول اقدام به بردن مال دیگری نمود، نمی‌توان حکم قسمت اخیر ماده ۴۷ سابق و تبصره ۲ ماده ۱۳۴ جدید را در این خصوص جاری ساخت؛ چراکه استفاده از سند مجعول یکی از مصادیق عملیات متقلبانه است که جرم انگاری شده است. در حالیکه عملیات متقلبانه دارای مصادیق دیگری (مانند دروغ گفتن و یا نشان دادن یک زمین به عنوان مبیع) است که از عنوان مجرمانه برخوردار نیستند. با این وجود در ماده ۶۲۱ قانون تعزیرات تهدید و ربودن انسان دو عنوان مستقل هستند که مجموعاً عنوان واحد آدم‌ربایی دارند پس امکان تمسک به حکم مواد قانونی مذکور و اکتفا به مجازات جرم آدم‌ربایی موجه به نظر می‌رسد؛ زیرا تهدید عنوان مستقلی است نه مصداقی از یک عنوان کلی.

۱. سابقه تقنینی، رویه قضایی و نظریات مشورتی درباره جرایم مرتبط در معنای خاص

۱.۱. سابقه تقنینی:

در اولین قانون جزای مصوب ۱۳۰۴، مواد ۳۲ و ۳۳ در مورد تعدد جرم وضع شده است. در ماده ۳۲ به حکم جرایم مرتبط اشاره شده که اکتفا به مجازات جرم اشد است:

«اگر چند جرم برای یک مقصود واقع شده و مربوط به هم باشد و یا اینکه بعضی از آنها مقدمه یا جزء دیگری بوده یا تفکیک از هم نشوند تمام آنها یک جرم محسوب و مجازات جرمی داده می‌شود که جزای آن اشد است.»

در سال ۱۳۱۲ مواد ۳۲ و ۳۳ قانون جزای عمومی به موجب ماده ۳ قانون متمم اصول محاکمات حقوقی نسخ و ماده ۲ قانون مزبور که به ماده ۲ ملحقه به آئین دادرسی کیفری معروف است به جای آنها وضع و تصویب گردید که مقرر می‌دارد: «اگر شخصی مرتکب چند عمل شده که هر یک از آنها مطابق قانون جرم باشد محکمه برای هر یک از آن اعمال حکم مجازات علیحده صادر خواهد کرد ولو اینکه مجموع آن اعمال بموجب قانون جرم خاصی شناخته شده یا بعضی از آنها مقدمه جرم دیگری باشد. در صورتیکه فرداً فرد اعمال ارتکابیه جرم بوده بدون اینکه مجموع آنها در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد محکمه باید برای هر یک حداکثر مجازات مقرر را معین نماید. در صورتیکه فرداً فرد اعمال جرم بوده و مجموع آنها نیز در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد محکمه باید برای هر یک از اعمال مجازات علیحده تعیین کرده و برای مجموع نیز مجازات قانونی را مورد حکم قرار دهد و در هر یک از موارد فوق فقط مجازات اشد بموقع اجرا گذاشته می‌شود.»

به طوری که ملاحظه می‌شود ماده مرقوم با مقایسه با ماده ۳۳ منسوخ جامع‌تر و روشن‌تر بوده و تکلیف محاکم جزایی را در اکثر صور تعدد، معین کرده است. این ماده با وجود اینکه در خصوص جرایم مرتبط، تأکید بر تعیین مجازات جداگانه توسط محکمه رسیدگی کننده دارد ولی در پایان، حکم ماده سابق مبنی بر کفایت مجازات اشد برای جرایم مرتبط را تکرار می‌نماید. ماده ۳۲ قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۵۲، آخرین تدبیر قانونگذار در خصوص تعدد واقعی یا مادی جرم، قبل از انقلاب اسلامی است. این ماده قانونی نیز از سیاست مجازات جرم اشد در جرایم متعدد پیروی نموده است با این تفاوت که در صورت تعدد جرایم بیش از سه فقره، دادگاه مجازات جرایم ارتکابی را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی معین می‌کند بدون اینکه مجازات مذکور از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نماید که البته در نهایت مجازات جرم اشد به مرحله اجرا درمی‌آید. در این ماده اگرچه نسبت به مواد قبل تفصیل بیشتری در خصوص تعدد جرم توسط قانونگذار صورت گرفته اما بر خلاف مواد

قبلی اشاره‌ای به جرایم مرتبط نشده است و قانونگذار از کنار این موضوع با سکوت گذشته است.

بعد از انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۶۱ قانون‌گذار با تصویب «قانون راجع به مجازات اسلامی» سیاست کیفری جدیدخویش را در خصوص تعدد جرم در مواد ۲۴ و ۲۵ قانون مذکور بیان داشت که در ماده ۲۵ حکم تعدد مادی جرایم این‌گونه بیان شده است: «در مورد تعدد جرم، هرگاه جرائم ارتكابی مختلف باشد باید برای هر یک از جرائم، مجازات جداگانه تعیین شود و اگر مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین می‌گردد و در این قسمت تعدد جرم می‌تواند از علل مشدده کیفر باشد و اگر مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌گردد.» در سال ۱۳۷۰ نیز که قانون مجازات اسلامی از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت، ماده ۴۷ این قانون عیناً همان عبارات ماده ۲۵ قانون سال ۱۳۶۱ را در خصوص تعدد مادی تکرار نمود.

آخرین تدبیر قانونگذار بعد از انقلاب در قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ متبلور شده است. در ماده ۱۳۴ قانون حاضر^۱ برای تعیین تکلیف جرایم متعدد، عبارات قانون سال ۱۳۵۲ تکرار گردیده و مجازات جرایم متعدد، خلاصه در یک مجازات، آن‌هم با کیفیت اشد شده است که البته بازهم در خصوص جرایم مرتبط، تعیین تکلیف نشده است. با این وصف قانونگذار بعد از انقلاب، در ابتدا سیاست جمع مجازات‌ها را در حالت تعدد جرایم مختلف در پیش گرفته و اخیراً با بازگشت به رویه قبل از انقلاب، اکتفا به مجازات جرم اشد نموده است که در هر دو منش قانونگذاری تدبیر ویژه‌ای در خصوص جرایم مرتبط در معنای خاص، توسط قانونگذار لحاظ نگردیده است. از آنجا که در موضوع مورد بحث با سکوت قانون جزا مواجه هستیم لذا برای استنباط حکم موضوع باید به رویه قضایی و دکترین حقوقی مراجعه نماییم.

۱. ماده ۱۳۴: در جرایم موجب تعزیر هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه برای هر یک از آن جرایم حداکثر مجازات مقرر را حکم می‌کند و هرگاه جرایم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به اینکه از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند، تعیین می‌نماید. در هر یک از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل اجرا است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیرقابل اجرا شود، مجازات اشد بعدی اجرا می‌گردد. در هر مورد که مجازات فاقد حداقل و حداکثر باشد، اگر جرایم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد تا یک‌چهارم و اگر جرایم ارتكابی بیش از سه جرم باشد تا نصف مجازات مقرر قانونی به اصل آن اضافه می‌شود.

۲.۱. رویه قضایی

برای بررسی رویه قضایی درباره موضوع مورد بحث، احکام و آراء صادره از سوی دیوان عالی کشور که جرایم مرتبط را مورد اشاره قرار داده‌اند عنوان می‌شود. البته این آراء نیز از مبنای واحدی در شناسایی و بیان حکم جرایم مذکور تبعیت ننموده که بیشتر هر رأی، یکی از مصادیق جرایم مرتبط در معنای خاص را مدنظر قرار داده و در خصوص آن جرم خاص اظهار نظر نموده است؛ به گونه‌ای که استخراج ملاک و مبنا، در تعیین تکلیف جرایم مرتبط با مشکل مواجه شده است. در مورد این آراء باید به این نکته نیز توجه نمود که برخی از آن‌ها با توجه به قوانین سابق مانند ماده ۲ الحاقی به قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۱۲ صادر شده و حکم صادره ناشی از نص قانون بوده است؛ اما بسیاری از آراء هم پس از نسخ قانون صادر گردیده و نشان دهنده اختلاف برداشت قضات از قانون می‌باشد.

در ادامه آراء و احکام دیوان در دو دسته با در نظر گرفتن موافقت یا مخالفت با تعدد جرم خواهد آمد:

۱.۲.۱. آراء مبتنی بر پذیرش تعدد جرم

- جعل و استفاده از سند مجعول: در این خصوص شعبه ۲ دادنامه‌ی شماره ۴۸۸ را در تاریخ ۱۳۱۷/۲/۳۱ به این قرار صادر نموده است: «اعتراض مدعی العموم استیناف دایر باینکه جعل ورقه و استفاده از ورقه مجعوله دو جرم مستقل و متمایز بوده و دادگاه رعایت قانون تعدد جرم نکرده وارد بنظر می‌رسد زیرا این دو عمل در ماده ۱۰۶ قانون مجازات عمومی جدا جدا ذکر شده و هر کدام علیحده جرم شناخته شده و در یک چنین صورتی طبق ماده ۲ الحاقی باصول محاکمات جزائی^۱ تعیین مجازات علیحده برای هریک از دو عمل الزامی است...»

در مورد این مصداق هیأت عمومی دیوان نیز اقدام به صدور رأی نموده و در این رأی نیز شاهد تکرار حکم سابق صادر شده هستیم. در رأی وحدت رویه شماره ۶۴۲ - ۱۳۷۷/۱/۱۸ آمده است: «نظر به اینکه به موجب مواد (۷۵ تا ۸۲) قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ برای جعل و استفاده از سند مجعول مجازات جداگانه تعیین شده و به علاوه در ماده (۸۳) قانون مزبور نیز برای استفاده کننده از سند مجعول در مواردی که جاعل

۱. لازم به ذکر حکم به تعدد جرم در این آراء که در زمان حکومت ماده ۲ الحاقی صادر شده‌اند ناشی از نص قانون بوده و اختلاف نظری در خصوص آنها وجود ندارد؛ در حال حاضر نیز این مصادیق خارج از محل بحث است. دلیل ذکر این موارد اشاره به مصادیقی است که عینیت یافته و بر اساس قانون مذکور حکم آن صادر شده است.

خود استفاده کننده باشد مجازات مقرر گردیده است بنابراین بر طبق مواد مزبور استفاده از سند مجعول عملی مستقل از جعل محسوب و نسبت به جاعل نیز بزه جداگانه است بنا به مراتب دادنامه شماره ۶ - ۱۳۷۶/۲/۲۸ که به موجب آن با رعایت تعدد و ماده (۴۷) قانون مجازات اسلامی برای جعل و استفاده از سند مجعول کیفرهای جداگانه تعیین شده صحیح و منطبق با موازین قانونی است.» (حسینی، ۱۳۸۹: ۷۵)

خلاصه استدلال دیوان کشور در این مورد اینست که چون عمل جعل و عمل استفاده از سند مجعول در مواد مربوط توسط قانونگذار به صورت جدا جدا ذکر شده است، بنابراین هر یک جرم جداگانه بوده و مورد از موارد تعدد جرم و مشمول ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی است.

- نقب زدن و سرقت: شعبه ۵ دیوان عالی در حکم شماره ۲۹۹۳ مورخ ۱۳۱۸/۱۱/۲۱ در این خصوص چنین اظهار عقیده نموده است: «مقدمه بودن بزه‌ی که مستقلاً جرم شناخته شده برای ارتکاب بزه دیگر نافی تعدد نیست بنابراین اگر کسی با نقب زدن مرتکب سرقت از خانه کسی شود یا با شکستن مهر دخالت در مال توقیف شده بکند، در هر دو مورد، مرتکب دو بزه شده است.» (حسینی، ۱۳۸۹: ۷۹)

- شکستن مهر^۱ اشیاء توقیفی و مداخله در آنها: همان گونه که در حکم شماره ۲۹۹۳ اشاره شد این مورد را نیز دیوان از موارد تعدد مادی محسوب نموده است. البته در رأی شماره ۷۸۹ شعبه ۲ دیوان مورخه ۱۳۱۸/۴/۱۷ نیز این امر مورد تأکید واقع شده است «در مورد شکستن مهر محل اشیاء توقیف شده و دخالت در آن اشیاء دادگاه مکلف به اصدار رأی مجازات برای هر یک از دو عمل مزبور می‌باشد و نمی‌توان به عنوان این که شکستن مهر مقدمه دخالت در اشیاء محسوب می‌شود متهم را فقط از جهت ارتکاب دخالت در آنها محکوم نمود.» (حسینی، ۱۳۸۹: ۸۱)

- ساختن کلید برای سرقت و انجام سرقت: شعبه ۵ دیوان در این خصوص در حکم شماره ۱۲۷۶ مورخ ۱۳۲۵/۹/۱۲ اعلام نظر نموده است: «ساخته شدن کلید برای دزدی از طرف دزد جرم جداگانه محسوب می‌شود.»

- مداخله در مرسولات پستی و اختلاس: رأی شماره ۱۵۹۲ دیوان مورخه ۱۳۱۷/۷/۲۵ حکم این موضوع را مشخص نموده است: «اگر شخصی به قصد اختلاس وجه، مرتکب اعمال ذیل شود ۱- باز کردن پاکت سفارشی بیمه ۲- از بین بردن آن ۳- جعل رسید به امضای منسوب به گیرنده و فرستادن آن به فرستنده. هر یک از اعمال نامبرده جرم مستقلی محسوب می‌گردد.» (عبده بروجردی، ۱۳۱۹: ۶۴)

۱. منظور لاک و مهر اشیاء توقیف شده است.

- عنف و ایراد جرح: در رأی شماره ۱۰۰ شعبه پنجم در مورخه ۱۳۱۹/۴/۴ آمده است: «عنف غیر از ایراد جرح است و اگر کسی در ارتکاب هتک ناموس به عنف، مرتکب جرحی نیز بشود بزه او متعدد محسوب است.» (حسینی، ۱۳۸۹: ۸۱)

- قتل و ضرب و جرح: در رأی شماره ۶۵۳ شعبه ۲ دیوان در مورخه ۱۳۲۸/۸/۱۸ آمده است: «وقوع چند جرم در زمان واحد موجب نفی توجه احکام تعدد نخواهد شد و اگر دو نفر به قصد قتل ضرباتی به کسی وارد کنند و زن و دختر مجنی علیه را هم که در مقام دفاع از او بوده‌اند مضروب و مجروح سازند، مورد از مصادیق مسلم ماده ۲ الحاقی است. پس اگر دادگاه به لحاظ این که ضرب و جرح وارده به زن و دختر مقتول، منظور خاص مرتکبین نبوده مجازات علیحده از این حیث تعیین نکند دادنامه نقض می‌شود.» (حسینی، ۱۳۸۹: ۸۱)

- جعل و اختلاس: در رأی شماره ۲۶۶۹ شعبه ۲ دیوان در مورخه ۱۳۲۱/۹/۹ آمده است: «...جعل فاکتورهای متعدد و استفاده از آنها از جمله جرایم انتسابی است که جرایم مستقل و مجازات علیحده دارند، اما نسبت به موارد مزبور رسیدگی و تعیین کیفر نشده و مقدمه قرار دادن آنها با اختلاس با مقررات تطابق ندارد.» (حسینی، ۱۳۸۹: ۸۰)

- قتل و حمل اسلحه غیر مجاز: هیأت عمومی دیوان عالی در رأی اصراری شماره ۵۷۹۷ مورخه ۱۳۳۵/۱۱/۷ آورده است: «قتلی که با اسلحه دولتی صورت گرفته است، اگر حمل اسلحه مجاز باشد، مشمول مقررات تعدد جرم نیست.» (حسینی، ۱۳۸۹: ۷۵) از مفهوم مخالف این رأی می‌توان استنباط نمود که اگر اسلحه مورد استفاده غیر مجاز باشد عمل مشمول مقررات تعدد است. به عبارت دیگر اگر قتل بوسیله اسلحه غیر مجاز واقع شود علاوه بر جرم قتل، جرم حمل سلاح غیر مجاز نیز توسط قاتل محقق است.

۲.۲.۱. آراء مبتنی بر عدم پذیرش تعدد جرم

سرقت و تخریب: دیوان در رأی شماره ۹۴۹/۷۱۵۵ مورخه ۱۳۱۶/۴/۳۰ در مورد سرقتی که مقرون به تخریب (شکستن در دکان) بوده و دادگاه استان برای هر یک از تخریب و سرقت کیفر علیحده تعیین نموده بود از لحاظ آن که تخریب مقدمه سرقت بوده یک مجازات را کافی دانسته و رأی استینافی را نقض بلا ارجاع کرده است. (عبده بروجردی، ۱۳۱۹: ۷۹)

- سرقت و اخفاء اشیاء مسروقه: شعبه ۲ دیوان عالی دادنامه شماره ۳۴۶ در تاریخ ۱۷/۲/۱۹ با موضوع این جرایم این گونه صادر نموده است: «ماده مذکوره که می‌گوید هرکس عالماً و عامداً اشیاء مسروقه را مخفی کند ناظر به موردی است که پنهان کننده خود شرکت در اصل سرقت نداشته و عمل او همان پنهان کردن مالی باشد که به وسیله سرقت دیگری

بدست آمده و شامل چنین موردی که اشخاص نامبرده خود دخیل در امر سرقت بوده‌اند نیست.»

- قتل و اخفاء جسد مقتول: در این مورد شعبه ۵ دیوان کشور در دادنامه شماره ۲۵۰۴ به تاریخ ۱۷/۱۱/۶۶ چنین حکم نموده است: «راجع به متهم اصلی از جهت تشخیص جرم و اصل محکومیت نسبت به قتل اشکالی بنظر نرسید و در این قسمت باتفاق آراء ابرام می‌شود ولی در قسمت محکومیت متهم مزبور از جهت اخفاء جسد با ملاحظه آنکه این عمل در باب خود اصولاً جرم علیحده محسوب نمی‌باشد حکم مزبور مخدوش بوده و نقض بلا ارجاع می‌شود.» (عبده بروجردی، ۱۳۱۹: ۶۴)

۱۶۵

علم جرم مرتبط در جرم دیگری

- ترمرد و ایراد جرح به مامور دولت: دادنامه شماره ۵۶۴ مورخ ۱۶/۲/۹۶ و دادنامه شماره ۲۴۰ شعبه ۵ مورخ ۱۷/۱۰/۲۴ ابراز داشته که در مورد ماده ۱۶۶^۱ گرچه عمل جنبه ترمرد نیز دارد ولی معیناً مشمول مادتين ۱۶۰ و ۱۶۱^۲ قانون کیفر همگانی نمی‌شود.

۳.۱. نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه

در نظریات مشورتی ارائه شده نیز همانند آراء و احکام صادره از سوی دیوان عالی کشور، شاهد اتخاذ رویه‌ای واحد درباره جرایم مرتبط نیستیم؛ بلکه حسب مورد در برخی موارد تعدد مادی و جمع جرایم تجویز شده و در برخی دیگر تنها به یک جرم به دلیل ارتباط جرایم ارتكابی با یکدیگر اکتفا شده است. در ادامه اکثر نظریات صادر شده از سوی اداره حقوقی قوه قضاییه، در زمینه موضوع مورد بحث در دو دسته موافق و مخالف تعدد، مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱.۳.۱. نظریات مبتنی بر پذیرش تعدد جرم

- نظریه مشورتی ۷/۵۹۰۶-۱۳۸۳/۸/۴: اگر سارق، مال مسروقه را بفروشد مرتکب دو جرم شده است (سرقت و فروش مال غیر) و لذا باید به اتهام ارتکاب هر دو جرم تعقیب و به هر دو مجازات مربوط محکوم و جمع دو مجازات درباره وی اجرا شود.

- نظریه مشورتی ۷/۵۶۹۱-۱۳۷۳/۱۰/۱۲: حمل سلاح و استفاده از آن برای شکار حیوانات، فعل واحد نبوده و افعال متعددی می‌باشند و از شمول ماده ۴۶ ق.م.ا خارج است.

۱. ماده ۱۶۶: هر گاه نسبت به اشخاص مذکوره در ماده ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ صدمات بدنی وارد آورد که موجب جرح یا مرض گردد مقصر به حبس مجرد از دو الی پنج سال محکوم خواهد شد.

۲. ماده ۱۶۱: «اگر متمرّد در موقع ترمرد مرتکب جنایت یا جنحه دیگری هم گردد در صورتی که مجازات آن جرم اشد از مجازات ترمرد باشد به مجازات جرم مزبور و آلا به مجازات ترمرد محکوم خواهد شد.»

- نظریه مشورتی ۱۴/۷/۲-۱۳۷۲/۴/۲: خرید و فروش و حمل و نگهداری اسلحه غیر مجاز از مصادیق تعدد جرم است. (ایرانی ارباطی، ۱۳۸۶: ۲۳۳)

- نظریه مشورتی ۷/۴۳۴۳-۷/۵/۱۷-۱۳۸۰/۵/۱۷: سارقی که مالی را سرقت نموده و آن را به فروش رسانده مرتکب دو بزه مستقل گردیده است یکی سرقت و دیگری انتقال مال غیر. زیرا فروش مال مسروقه از طرف سارق انتقال مال غیر محسوب می‌گردد^۱ و از لحاظ کیفری قابل تعقیب است و عمل خریدار نیز بنا به صراحت ماده ۶۶۲ ق.م.ا.م شامل ماده یاد شده می‌باشد. (اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۲: ۱۶۸)

- نظریه مشورتی ۷/۱۰۱۸۳-۷/۱۰-۱۳۸۲/۱۲/۱۰: جرم شخصی که مالی را بدو سرقت کرده و به صورت قاچاق از کشور خارج نموده متضمن دو عنوان مستقل جزایی است که مرتکب گردیده و می‌بایست وفق قسمت اول ماده ۴۷ ق.م.ا.م برای هر یک از جرایم مذکور جداگانه مجازات مربوطه تعیین گردد و در صورتی که مرتکب، خود، سارق مال قاچاق نباشد لیکن از سارق مال موصوف را خریداری کرده باشد چنانچه عالم به قاچاق آن باشد و با علم و اطلاع از مسروقه بودن آن را خریداری کرده باشد نیز مرتکب دو جرم مجزا گردیده که چون هر دو جرم از جرایم مختلف می‌باشد به استناد مذکور در فوق برای هر یک از جرایم ارتكابی جداگانه تعیین مجازات می‌شود. هر یک از جرایم خرید مال غیر و خریداری مالی مسروقه هر دو در صورت علم و اطلاع و قاچاق کالا به هر نحوی از انحاء هر یک به تنهایی در زمره جرایم مختلف بوده و مشمول قسمت اول ماده ۴۷ ق.م.ا.م می‌باشد. (ایرانی ارباطی، ۱۳۸۶: ۲۳۳)

- نظریه ۷/۳۲۷-۱۳۷۹/۸/۸: اگر سارق امضای صاحب دسته چک را در چک، شبیه‌سازی کرده و با آن اجناس خریده باشد علاوه بر سرقت مرتکب جعل سند غیر رسمی (چک) و استفاده از سند مجعول مذکور شده است که به هر حال با عنایت به مختلف بودن بزه‌ها برای هر یک از اعمال مجرمانه متهم باید مجازات جداگانه تعیین و جمع آن‌ها دربارهی وی اجرا شود.

۲.۳.۱. نظریات مبتنی بر عدم پذیرش تعدد جرم

- نظریه مشورتی شماره ۷/۹۲۸ مورخ ۱۳۶۷/۴/۱۴ چنین اظهار نظر نموده است: «هرگاه جرائم ارتكابی بعضی مقدمه بعضی دیگر بوده و یا از لوازم آن به شمار آید و مجموع آنها نیز

۱. اگر قائل به این باشیم که فروش مال مسروقه ادامه منطقی سرقت نیست باید گفت که خود این عمل مشمول دو عنوان مجرمانه دخالت در اموال مسروقه (موضوع ماده ۶۶۲ قانون تعزیرات) و فروش مال غیر است. از آنجا که این دو عنوان نیز با یک عمل محقق شده، با تعدد معنوی مواجه خواهیم گشت.

دارای عنوان خاص جزائی باشد (تعدد معنوی)^۱ مجازات جرمی داده می شود که جزای آن اشد است. بنابراین در فروض مورد سوال چون ورود غیرمجاز به منازل افراد از لوازم سرقت و تهیه مشروب از لوازم و مقدمات شرب آن است. مرتکب را فقط می توان به مجازات سرقت و یا شرب خمر محکوم کرد و نه به مجازات ورود به منزل افراد و سرقت و خرید مواد الکلی و شرب آن» (مصلاحی، ۱۳۸۱: ۷۳)

- نظریه مشورتی شماره ۷۱۱۶۶۷ مورخ ۱۳۶۱/۴/۳: حمل و نگهداری و اخفاء مال مسروق بوسیله سارق که بدون مجوز مال مسروق در ید او قرار گرفته، هر یک به تنهایی جرم مستقلی نمی باشد بلکه این اعمال مستتر در عمل سرقت بوده و کلیه آن اعمال در حکم عمل واحد و یک مجازات برای سارق (سرقت) در نظر گرفته می شود.

- نظریه مشورتی ۱۳۷۲/۴/۲-۷/۲۰۱۴: در مورد فروش اسلحه غیر مجاز چون خرید، حمل و نگهداری از مقدمات و لوازم فروش آن به شمار می رود و فعل واحد بوده از مصادیق ماده ۴۶ ق.م.ا است.

- نظریه مشورتی ۱۳۸۰/۴/۲-۷/۱۹۱۲: تحقق جرم اختلاس مستلزم حمل و نگهداری مال موضوع اختلاس است و به عبارت دیگر حمل و نگهداری از لوازم تحقق جرم اختلاس است. فروش مواد مخدر یا مشروبات الکلی یا سلاح و مهمات حاصل از جرم اختلاس، جرم مستقل و دارای عنوان خاص کیفری است که در صورت ارتکاب مشمول مقررات صدر ماده ۴۷ ق.م.ا است و باید برای آنها مجازات جداگانه و مستقل تعیین گردد.

۲. دیدگاه‌هایی درباره جرایم مرتبط در معنای خاص

با بررسی انجام شده در میان نظریات بیان شده توسط قضات و حقوقدانان، این نتیجه حاصل می شود که وحدت نظری در زمینه نحوه برخورد با جرایم مرتبط در معنای خاص، وجود نداشته و در مجموع نظریات ابرازی سه طریق کلی در پیش گرفته اند؛ در یک دیدگاه تمایل به سمت جرم واحد بوده و با تعدد مادی جرم و در نتیجه با آثاری که بر آن بار می شود، مخالفت شده است. در دیدگاه دوم، در جرایم مرتبط، حکم به تعدد معنوی شده و آثار ناشی از آن را برای این دسته از جرایم مورد پذیرش قرار می دهند و در نهایت از دیدگاه سوم جرایم مرتبط در قالب تعدد مادی جرم تفسیر شده و عمل به حکم قانون در صورت

۱. در این نظریه دو استیاه رخ داده است؛ نخست آنکه ارتکاب دو جرم را تعدد معنوی دانسته در حالی که در تعدد معنوی با یک عمل روبرو هستیم و دو عنوان؛ دیگر آنکه تعدد معنوی را جرم شامل تلقی کرده درحالیکه تعدد معنوی در ماده ۴۶ و جرم شامل ذیل ماده ۴۷ قانون سابق ذکر شده بود.

تعدد مادی به صواب نزدیک‌تر دانسته شده است. در ادامه به نظرات و استدلال‌های قائلین به حالات سه‌گانه اشاره و در اطراف هر دسته نیز بحث خواهد شد.

۱.۲. جرایم مرتبط به مثابه جرم واحد؛ ادله قائلین و پاسخ ایشان

همانگونه که بیان گردید برخی حقوقدانان ارتباط جرایم، در معنای خاص را مانع تحقق تعدد مادی می‌دانند و لذا تعدد مادی جرایم را زمانی محقق می‌دانند که این شرایط موجود باشد:

اول- یکی از دو عمل مقدمه دیگری نباشد.

دوم- یک عمل جزء دیگری نباشد.

سوم- مجموع اعمال عنوان خاص مجرمانه نداشته باشد. (آزمایش، ۱۳۷۷: ۵۸).

چهارم- عمل ارتكابی نتیجه قهری^۱ عمل نخست نباشد. (باهری، ۱۳۸۹: ۴۳۳ و پیمانی، ۱۳۷۴: ۲۳)

برای توجیه وحدت جرم در جرایم مرتبط دلایل و استدلال‌های زیر مطرح شده است که در این مجال ضمن پرداختن به این دلایل، پاسخ مخالفین نیز خواهد آمد.

۱- در حالت جرایم مرتبط اولیه، یعنی عملی مقدمه عمل دیگر بوده به گونه‌ای که عمل مذکور مقدمه ضروری و جدا نشدنی عمل دوم باشد، به دلیل اینکه قصد واحد نمی‌تواند منشأ دو یا چند جرم شود تعدد مادی نیز نمی‌تواند مطرح باشد. (باهری، ۱۳۸۹: ۴۳۳) در واقع بنابر این نظر، هر عمل مجرمانه مشتمل بر یک قصد یا نیت مجرمانه است که اگر دو جرم با یک قصد مجرمانه ارتکاب یابد، از آنجا که قصد مجرمانه شامل عمل اول که حکم مقدمه برای جرم اصلی را دارد نمی‌شود پس عمل اول به عنوان جرم، تکوین نیافته و تعدد جرم نیز عملاً منتفی است. مانند جایی که شخصی برای گذاشتن تریاک در خانه دیگری و متهم کردن او، در خانه را می‌شکند و وارد خانه می‌شود و جرم را انجام می‌دهد (نوربها، ۱۳۸۱: ۴۵۲).

در پاسخ گفته شده، «از آنجا که هر جرمی به سه عنصر (قانونی، مادی و روانی) نیاز دارد، در فرض مورد بحث با ارتکاب رفتار مقدماتی مجرمانه چون شکستن در، عناصر سازنده جرم مستقلی به نام «تخریب» شکل می‌گیرد و بنابراین در چنین مواردی تصور قصد واحد برای اعمال مرتکب منتفی است.» (رایجیان اصلی، ۱۳۸۲: ۱۸) در واقع مرتکب لزوماً از قصد

۱. تعبیر نتیجه قهری به نظر می‌رسد صحیح نباشد و باید ادامه منطقی گفت. زیرا نتیجه قهری داخل در بحث تعدد نتیجه است که به صورت غیر ارادی حادث می‌شود، در حالیکه در این‌جا هر دو عمل به صورت ارادی انجام شده است.

سوء، برای ارتکاب تک تک اعمال مجرمانه برخوردار بوده است، یعنی می‌دانسته که برای ورود غیر مجاز به منزل دیگری یا دخالت در مال توقیف شده باید اقدام به تخریب در یا شکستن مهر نماید و همین اندازه از آگاهی برای تحقق سوءنیت مستقل کافی است که با الحاق به فعل مادی و رکن قانونی، تشکیل جرم مستقل دهد. با این توجه، رأی شماره ۶۳۸ هیأت عمومی دیوان نیز با ایراد مواجه می‌گردد. در این رأی «قتل غیر عمدی ناشی از رانندگی بدون پروانه» از مصادیق تعدد معنوی یا اعتباری انگاشته شده است. «حال آنکه در چنین موردی عناصر سازنده بزه رانندگی بدون پروانه پیش از ارتکاب قتل غیر عمدی محقق می‌شود. بنابراین، اگر چه قانونگذار رانندگی بدون پروانه را وصفی برای تشدید مجازات جرم دوم (قتل غیر عمدی) قرار داده است، ولی با توجه به استقلال عناصر سه گانه جرم نخست و تقدم ارتکاب آن بر قتل غیر عمدی، چنین موردی را باید از نمونه‌های روشن تعدد واقعی (موضوع قسمت سوم ماده ۴۷) دانست.» (رایجیان اصلی، ۱۳۸۲: ۱۹)

۲- جرایم ارتكابی که ظن تعدد مادی نسبت به آنها می‌رود به نوعی جزء یکدیگر محسوب می‌گردند. بر این اساس هتک حرز یا ساختن کلید برای دزدی از طرف دزد، جرم جداگانه‌ای تلقی نشده و جزء عمل دیگر یعنی سرقت می‌باشد. از دیدگاه قائلین به این دلیل، قید «عالماً و عامداً»، که در ماده ۱۶۶۴^۱ قانون مجازات اسلامی سابق آمده، مؤید برداشت^۲ آنان است. (باهری، ۱۳۸۹: ۴۳۳) در توضیح ایشان می‌توان گفت که قید عالمماً نسبت به خود مرتکب لغو است زیرا امری بدیهی است؛ کسی که برای دزدی از خانه‌ای کلید می‌سازد عالم است، بنابراین، این غیر سارق است که برای ساختن کلید مجازات خواهد شد. مفهوم مخالف این برداشت این است که خود سارق برای ساختن کلید مجازات نخواهد شد. در همین راستا برخی حقوقدانان، ارتکاب یک جرم را از لوازم جرم دیگر تلقی می‌نمایند. برای مثال، اگر کسی مقداری تریاک با خود وارد کشور کند مطابق ماده ۴ قانون مبارزه با مواد مخدر (مصوب آبان ۶۷) قابل تعقیب و مجازات است. از طرف دیگر، چون نگهداری یا حمل این مواد نیز به موجب ماده ۵ این قانون جرم است، به نظر می‌رسد که وارد کننده مرتکب جرم دیگری نیز شده است. در حالی که وارد کردن مواد مخدر به کشور مستلزم حمل و نگهداری است. (اردبیلی، ۱۳۷۷: ۲۲۴) البته در این باره دیوان عالی کشور به مناسبت دیگری در حکم شماره ۶۱۸۶ مورخ ۴۳/۱۰/۲۴ چنین نظر خود را بیان داشته است: «هر چند فرجامخواه اعتراض خاصی نکرده ولی اشکالی که بر حکم فرجام خواسته

۱. ماده ۶۶۴: هر کس عالماً عامداً برای ارتکاب جرمی اقدام به ساخت کلید یا تغییر آن نماید یا هر نوع وسیله ای برای ارتکاب جرم بسازد، یا تهیه کند به حبس از سه ماه تا یک سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

۲. نویسنده استدلالی برای این برداشت ذکر نکرده است.

وارد به نظر می‌رسد این است که دادگاه مواد افیونی مکشوفه (۱۶ گرم) که جزیی بوده و عرفاً از لوازم استعمال محسوب می‌شود بزه جداگانه تشخیص داده و با رعایت قواعد تعدد چنین مجازات نموده است...»

در پاسخ به استدلال بالا می‌توان عنوان کرد که، اگر عمل اول فقط مقدمه‌ای برای عمل دوم باشد و تحقق عنصر مادی جرم دوم، منوط به تحقق عنصر مادی جرم اول نباشد، صرف این حالت نمی‌تواند مانع اعمال قاعده تعدد مادی گردد. (عابد، ۱۳۹۱: ۳۰) زیرا تصور وقوع هر یک از افعال ارتكابی به تنهایی و بدون نیاز به تحقق عمل دیگر، با مراجعه به عرف و عقل سلیم، امری بدیهی است. در خصوص مثال‌هایی که برای این استدلال بیان شده نیز این امر صادق است؛ چرا که لازمه سرقت ساختن کلید نیست به گونه‌ای که اگر کلیدی موجود نباشد امکان وقوع سرقت نیز منتفی باشد. در سایر موارد نیز به همین صورت است که می‌توان تحقق هر یک از جرایم مرتبط ذکر شده را بدون نیاز به تحقق دیگری تصور نمود. البته شاید بتوان در مواردی که دو جرم از هم تفکیک ناپذیرند این استدلال را پذیرفت. تصریح به قید «عالمأ و عامداً» نیز در ماده ۶۶۴ و لزوم وجود علم و عمد، ناظر به موردی است که فرد بدون هیچ قصد مجرمانه بعدی، کلید یا وسیله‌ای تهیه کرده یا می‌سازد، ولی بعداً، کلید یا هر وسیله دیگر را برای اقدامات مجرمانه مورد استفاده قرار می‌دهد؛ در این حالت می‌توان گفت که تحقق جرم موضوع ماده ۶۶۴ توسط این فرد منتفی است و فقط او را مرتکب جرم سرقت یا جرم دیگر که از آن وسیله برای ارتکاب آن استفاده کرده، باید دانست.

۳- در جرایم مرتبط ثانویه، یعنی زمانی که مجرم پس از ارتکاب جرم اصلی دست به اقدامات و جرایمی می‌زند که بواسطه این اقدامات، آثار جرم خویش را پوشانده و مخفی کرده و یا با ارتکاب اعمال ثانویه عمل مجرمانه اصلی خویش را تکمیل نموده و یا از آن عمل انتفاع حاصل نماید، از آنجا که جرم دوم نتیجه منطقی جرم اول است نمی‌توان آن دو جرم را مشمول قواعد تعدد جرم قرار داد؛ مانند اینکه سارق، اموال مسروقه را مورد معامله قرار دهد یا مخفی کند. (باهری، ۱۳۸۹: ۴۳۴) نتیجه منطقی در واقع انتظار معقولی است که برای ارتکاب جرم دوم از مرتکب جرم اول می‌رود؛ کما اینکه از فرد سارق انتظار می‌رود به منظور انتفاع از سرقت خویش، اموال مسروقه را مورد معامله قرار داده و یا به لحاظ ایمن نگاه داشتن خود از دستگیری، اموال سرقت شده را پنهان دارد و یا همان‌گونه که در آراء دیوان عالی کشور نیز آمده از قاتل انتظار منطقی می‌رود که جسد مقتول را برای پنهان نگاه داشتن جنایت خود، مخفی نماید. برای این ادعا برخی حقوق‌دانان فرانسوی چنین استدلال می‌کنند که، بعضی از وصف‌ها قابل جمع نیستند، مثلاً کسی که بعد از اعمال خشونت، قربانی خود را بدون مواظبت طبیی رها می‌کند فقط از منظر جرم خشونت قابل تعقیب

خواهد بود. همچنین کسی که بعد از سرقت، مال مسروقه را نگاه می‌دارد فقط به عنوان سرقت تعقیب می‌شود نه سرقت و اختفای مال مسروقه. «جرم دوم چیزی جز ادامه منطقی اولی نبوده و متضمن یک عنصر اخلاقی غیر از آنچه قبلاً بوده نیست، فعل واحد فقط موجب وقوع جرم واحد می‌شود، و فقط می‌تواند سبب یک اعلام مجرمیت و یک مجازات باشد.» (استفانی، ۱۳۸۳: ۷۸۳) در خصوص ارتباط جرم سرقت و نیز مداخله در اموال مسروق نظر دیگری بیان شده که در این دیدگاه بر اساس فلسفه وضع ماده و نیز سیاق عبارات آن، تعدد مادی جرم سرقت و جرم موضوع ماده ۶۶۲ قانون سابق (مداخله در اموال مسروقه) را منتفی می‌داند. استدلال بیان شده به این شرح است که «این ماده برای مبارزه با کسانی غیر از سارقین، یعنی کسانی که در واقع محرک پشت پرده اکثر سرقت‌ها محسوب می‌گردند، وضع شده است و نه برای مبارزه با سارقینی که برای آنان طی مواد دیگری مجازات‌های متناسب پیش بینی گردیده است. به علاوه تکیه ماده بر علم و اطلاع مرتکب یا وجود قراین اطمینان آور نسبت به مسروقه بودن مال، خود قرینه‌ای است که نشان می‌دهد نظر قانونگذار معطوف به اشخاصی غیر از خود سارقین بوده است، زیرا نمی‌توان حالتی را تصور کرد که سارق از مسروقه بودن مال آگاهی نداشته باشد.» (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۹: ۲۲۷-۲۲۸)

البته برخی از حقوق‌دانان استثنایی برای حالت نتیجه منطقی قائل بوده و معتقدند در صورتیکه قانونگذار به لزوم اعمال مجازات متعدد تصریح کرده باشد تعدد جرم جاری بوده و مجازات جرایم ارتكابی با هم جمع می‌شود. (زرعت، ۱۳۸۷: ۳۷۵) کما اینکه استفاده از سند مجعول نتیجه منطقی جعل سند است اما قانونگذار در ماده ۵۳۵ قانون سابق برای آن مجازات جداگانه در نظر گرفته است. «هرکس اوراق مجعول مذکور در مواد (۵۳۲)، (۵۳۳) و (۵۳۴) را با علم به جعل و تزویر مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال یا به سه تا هجده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

در پاسخ به این دسته از استدلال‌ها باید توجه داشت که اولاً؛ تحقق جرم دوم پس از ارتکاب جرم اول ضروری نیست و عقل سلیم و عرف معمول جامعه لزومی در ارتکاب جرم دوم بعد از ارتکاب جرم اول نمی‌بیند که جرم دوم نتیجه یا ادامه منطقی جرم اول محسوب گردد. در واقع به وقوع نپیوستن جرم دوم امری غیر قابل تصور نیست و می‌توان حالتی را

۱. این سخن به نظر می‌رسد صحیح نباشد؛ چراکه ما با یک فعل که نتایج متعدد داشته باشد مواجه نیستیم، بلکه در عالم خارج واقعا دو فعل مادی جداگانه به وقوع پیوسته است که هر کدام نیز دارای عناصر تشکیل دهنده مستقل هستند. پس ادعای وقوع فعل واحد چندان موجه نیست.

در نظر داشت که کسی دست به ارتکاب یکی از جرایم مذکور در مثال‌های یاد شده زده بدون اینکه ارتکاب جرم دوم یا همان نتیجه یا ادامه منطقی جرم اول، تحقق یابد. به عنوان مثال در مورد کسی که به انگیزه انتقام مرتکب سرقت یا قتل می‌شود و باکی از دستگیر شدن ندارد، استلزامی به نظر نمی‌رسد که مال مسروقه یا جسد مقتول را پنهان نماید. در مورد جعل و استفاده از سند معجول نیز کاملاً متصور است که شخص سندی را جعل و از آن استفاده نکند همانطور که واضح و روشن است که یک نفر می‌تواند از سند مجعولی بدون آنکه در جعل آن مباشرت کرده باشد استفاده نماید بنابراین جعل و استفاده از سند مجعول دو بزه کاملاً مستقل و مجزا می‌باشند که هم ممکن است جاعل و استفاده‌کننده شخص واحد باشد و هم متصور است که شخصی سندی را جعل و خود از آن استفاده ننماید و هم بسا اتفاق می‌افتد که شخص از سندی که به مباشرت دیگری جعل شده است استفاده نماید. (پورهمایون، ۱۳۱۹: ۴۱۰) حال اگر بتوانیم موردی را تصور کنیم که جرم ارتكابی دوم نتیجه قهری و گریز ناپذیر جرم اول باشد برخی حکم به تعدد مادی جرایم را جایز نمی‌دانند؛ (پیمانی، ۱۳۷۴: ۲۳) اما در این خصوص باید توجه داشت که «تعدد یا وحدت جرم تابع رکن روانی نتیجه مجرمانه است. اگر نتیجه حاصله جرمی عمدی است، فقط در صورتی که مرتکب با فعل نخستین قصد ایجاد نتیجه را داشته باشد، با جرایم متعدد روبرو هستیم و اگر نتیجه حاصله جرمی غیر عمدی یا با مسئولیت مطلق باشد، ارتکاب فعل اولیه با تقصیر و یا حتی بدون آن نیز می‌تواند به تعدد جرم منجر شود.» (قیاسی، ۱۳۸۸: ۱۳۳)

ثانیاً؛ عدالت و انصاف اقتضای آن را دارد که اگر کسی به عملی اقدام کرد باید مواظب نتایج عملش باشد و نمی‌تواند از بار مسئولیت عواقبی که به اقتضای عرف و عادت، با انجام این عمل حادث می‌شود، شانه خالی کند به گونه‌ای که حتی شخص مست اگر احتمال دهد که با وقوع مستی ممکن است اعمال خلافی انجام دهد، سلب مسئولیت از چنین شخصی امری نامعقول و ناعادلانه می‌نماید؛ چرا که با وجود این احتمال نباید خویش را مست می‌نمود که بعد از آن ادعای سلب قصد و اراده از خود نماید. فردی که برای رسیدن به مقصودی جرمی انجام می‌دهد لازم است تبعات آنرا نیز بپذیرد. این استدلال برای جرم مرتبط اولیه نیز قابلیت طرح دارد که اقدام کننده به جرمی که لازمه و مقدمه ارتکاب جرم دیگر است، باید عهده‌دار نتایج و مقدمات عمل خود نیز باشد در غیر این صورت حکم عقل، ترک انجام جرم است.

۴- استدلال دیگری که می‌توان در موضوع مورد بحث مطرح نمود این است که اگر جرمی از لوازم جرم دیگر باشد اصولاً از اینکه عملی مقدمه یا نتیجه عمل دیگری باشد نمی‌توان نتیجه منطقی گرفت که باید آنها را یک جرم حساب نمود مگر اینکه چنین حالتی را اماره و کاشفی از اراده قانونگذار تلقی کنیم؛ یعنی قانونگذار با تصویب جرم ملزوم، جرم لازم

را نیز به شکل تبعی، مندرج در آن می‌داند. مثلاً در احراق منزل مسکونی (موضوع ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی) تبعاً احراق اموال منقول (موضوع ماده ۶۷۶ قانون مجازات اسلامی) هم که جرم جداگانه‌ای است مستتر است. یعنی اگرچه قانون گذار صرفاً یک مورد را اشاره نموده است ولی گویا هر دو جرم را باهم در نظر داشته و لذا روی هم عنوانی خاص برای آن در نظر گرفته است. البته باید در نظر داشت میان این حالت و جرم شامل تفاوت وجود دارد. زیرا در جرم شامل به همه اجزاء جرم در قانون تصریح شده ولی در این حالت فرض براین است که قانونگذار اگرچه نسبت به اجزاء تصریحی نداشته ولی چنین قصدی را در نظر داشته است. البته این استدلال توسط کسی مطرح نشده و ما آن را به عنوان یک احتمال در این جا می‌آوریم.

در پاسخ به این استدلال، توجه به این نکته حایز اهمیت است که قصد تبعی قانونگذار امر مسلمی نیست و دلیل قانونی بر این ادعا وجود ندارد. در واقع نمی‌توان به دلیل متقنی برای احراز و اثبات قصد مذکور تمسک جست و صرفاً در مقام تفسیر قانون می‌توان به قصد تبعی قانونگذار، به عنوان یک احتمال اشاره کرد، که البته با صرف احتمال نمی‌توان از ظاهر قانون صرف نظر کرد.

علاوه بر موارد یاد شده، اگر جرایم مرتبط را داخل در یکدیگر بدانیم، طرح این اشکال نیز بدون وجه نیست که در صورت داخل بودن جرایم در جایی که مرتکب از جرم اصلی براءت حاصل کند دیگر نمی‌توان به سایر جرایم وی که به عنوان مقدمه جرم اصلی هستند رسیدگی نمود. بنابراین به نظر می‌رسد تداخل جرایم چندان سازگاری با منطق حقوقی و عدالت کیفری نداشته باشد.

۵- آخرین دفاعی که می‌توان از نظریه عدم تعدد مادی نمود، اصل تفسیر مضیق است که تمسک به آن در این مورد، به نفع متهم خواهد بود با این توضیح که اگر نهایتاً در تعدد مادی و یا عدم آن و به تبع، در جمع یا وحدت مجازات‌ها شک کنیم، بر اساس اصل مذکور بنا را بر تفسیر مضیق گذارده و ضمن رد ادعای تعدد مادی، فقط فرد را در معرض تحمل یک عقوبت قرار می‌دهیم نه مجازاتی اشد از میان چند عقوبت.

۲.۲. جرایم مرتبط به مثابه تعدد معنوی؛ ادله قائلین و پاسخ ایشان

بر اساس این دیدگاه، هرگاه چند جرم مستقل و جداگانه و بدون وابستگی به هم واقع شود به نحوی که ارتکاب یکی مقدمه ارتکاب دیگری یا از لوازم آن باشد، تعدد معنوی یا اعتباری جرم بوده و در نتیجه کیفر اشد اعمال می‌گردد. بنابراین ورود غیر مجاز به منازل افراد و یا هتک حرز از لوازم سرقت است و یا تهیه مشروب از لوازم شرب آن می‌باشد که در این موارد مرتکب فقط به یک کیفر که اشد است یعنی سرقت یا شرب خمر محکوم می‌گردد. نظریه

مشورتی ۷۱۹۲۸-۶۷/۴/۱۲ و حکم شماره ۹۴۹-۱۳۱۶/۴/۳۰ شعبه ۵ دیوان عالی کشور به عنوان تأیید نظر مورد استشهاد قرار گرفته است. (شکری و سیروس، ۱۳۸۲: ۱۰۷) همچنین برخی دیگر جرایمی چون استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری را که از مصادیق بارز جرایم مرتبط می‌باشند در عداد تعدد معنوی تلقی می‌نمایند. ایشان با این استدلال که ارتکاب این جرایم در قالب یک فعل واحد قابل تحقق است، وقوع آنها را مقارن با هم و در یک فعل واحد دانسته و از این رو مصداق تعدد معنوی به شمار آورده‌ند. (حبیب زاده، بی تا: ۱۸۰)

در پاسخ به این نظر باید توجه داشت که فعل واحد زمانی محل تلاقی عناوین متعدده جرم بوده و تعدد معنوی تحقق می‌یابد که تمامی اجزاء ارکان مادی و روانی لازم برای تحقق جرایم متعدد موردنظر، در فعل واحد ارتكابی و مرتکب موجود باشد. فقدان جزء یا اجزایی از ارکان مادی یا روانی جرایم، تحقق تعدد معنوی را منتفی می‌سازد. (عباسی، ۱۳۹۰) این در حالیست که در جرایم مرتبط هر دو جرم به صورت مستقل تحقق می‌یابد. به بیان دیگر آنچه این دو جرم را از یکدیگر جدا می‌کند عناصر سازنده آنهاست و بدین ترتیب فعل واحدی که دو عنوان مجرمانه را در خود جمع کند در جرایم مرتبط قابل تصور نیست. (رایجیان اصلی، ۱۳۸۲: ۱۴) علاوه بر این جرایم مقدماتی از لحاظ زمانی قبل از زمان شروع جرم غایی شروع می‌شوند و ممکن است تا زمان ارتکاب تام جرم اصلی نیز ادامه داشته باشند و بنابراین جرایم مقدماتی و نهایی، علی‌رغم آنچه که در نظریه مشورتی اداره حقوقی آمده، نمی‌تواند تعدد معنوی (مصداق فعل واحد و عناوین متعدد جرم) باشند تا برای آنها یک مجازات در نظر بگیریم. (طاهری نسب، ۱۳۸۱: ۷۹)

با این اوصاف پذیرش وقوع همزمان جرایم استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری در قالب فعل واحد و در نتیجه تحقق تعدد معنوی، کاملاً ناموجه و غیر قابل قبول است. زیرا؛ یکی از شروط تحقق تعدد معنوی وقوع فعل واحد بوده در حالیکه کلاهبرداری از مصادیق بارز جرم مرکب می‌باشد و تحقق دو فعل و عمل متفاوت یعنی توسل به وسایل متقلبانه (فعل اول) و بردن و به دست آوردن مال دیگری (فعل دوم) برای وقوع تام آن ضروری است. (نوربها، ۱۳۸۱: ۲۶۰) هرچند توالی وقوع این دو عمل با فاصله زمانی اندک قابل تصور بوده ولی تصور جمع این دو فعل و عمل در فعل واحد - با توجه به نوع افعال - غیرممکن است. بنابراین فعل توسل به وسایل متقلبانه در کلاهبرداری، هرچند از طریق استفاده از سند مجعول امکان پذیر و بدیهی بوده و می‌توانند در فعل واحد محقق گردند،^۱ اما با فعل بردن مال دیگری - به عنوان فعل و عمل ضروری دیگر برای تحقق جرم

۱. دکتر سیدعلی آزمایش، در این باره یعنی؛ توسل به وسایل متقلبانه از طریق استفاده از سند مجعول به منظور کلاهبرداری را فعل واحد مشمول عناوین متعدد مجرمانه؛ شروع به کلاهبرداری و استفاده از سند

کلاهبرداری - که بعد از توسل به وسایل متقلبانه (استفاده از سند مجعول) واقع می گردد، هرگز در فعل واحد قابل جمع و تصور نیستند.

علاوه بر این باید این نکته را نیز در نظر داشت که تعدد اعتباری استثنایی بر قواعد عمومی تعدد جرم بوده و باید آنرا به همان میزان که در قانون تصریح شده محدود ساخت.

۳.۲. دلایل پذیرش تعدد جرم در جرایم مرتبط

پس از بیان نظرات و دلایل قائلین به وحدت جرم در جرایم مرتبط و دلیل رد آنها، در این قسمت ادله و استدلال‌های ایجابی که می‌توان بر اثبات تعدد مادی جرم در موضوع مورد بحث اقامه کرد اشاره می‌شود. لازم به ذکر است که در خصوص پاسخ به آخرین دلیل مخالفین یعنی تفسیر مضیق، از آنجا که این پاسخ نیاز به بیان مقدمه‌ای اثباتی دارد، لذا ذیل این قسمت خواهد آمد.

۱- به نظر می‌رسد، مهم‌ترین هدف قانون‌گذار کیفری از جرم انگاری جرایم مقدماتی این است که از وقوع جرایم دیگری که وقوع آنها منوط به تحقق جرایم مقدماتی می‌باشد و همچنین ورود لطمات و خسارات سنگین‌تر جلوگیری کند. به عنوان مثال هدف اصلی مقنن از جرم انگاری حمل اسلحه غیر مجاز و جعل اسناد و یا تهیه مواد مخدر و تولید سکه تقلبی همانا جلوگیری کردن از وقوع جرایم مهلک و خطرناکتری مانند قتل و استفاده از سند مجعول و اعتیاد و اخلال در نظام اقتصادی و پولی کشور می‌باشد و بنابراین اگر قائل به این نظر باشیم که در این موارد (در جرایم مقدماتی و غایی)، صرف مجازات جرم غایی کافی برای مجازات مرتکب در هر دو دسته جرایم مذکور می‌باشد، این اعتقاد ناقض غرض قانونگذار کیفری از جرم انگاری جرایم مانع^۱ می‌باشد. (طاهری نسب، ۱۳۸۱: ۸۰)

۲- بسیاری از اوقات قانونگذار ابتدا جرمی مثل سرقت را جرم انگاری نموده و سپس عملی چون ساختن کلید یا تخریب حرز را جرم انگاری می‌نماید. آنچه که از این اقدام قانونگذار بر می‌آید این است که جرایم مقدماتی (ساختن کلید و تخریب حرز) از نظر وی از اهمیت برخوردار بوده و اگر به هر دو جرم یک مجازات بدهیم، در این صورت نیز نقض غرض صورت گرفته است. در حقوق آمریکا نیز تبانی برای ارتکاب جرم خود جرم مستقلی است، با آن‌که تبانی در جرایمی که منوط به تبانی است جزء لوازم انفکاک ناپذیر جرم است اما در عمل منجر به تعدد مادی می‌گردد؛ «بنابراین در هر موردی که دو یا چند نفر برای ارتکاب یک جرم با یکدیگر توافق می‌کنند، تبانی کنندگان، هم به خاطر جرم اصلی و

مجعول و از مصادیق تعدد معنوی می‌دانند. (ر.ک: سیدعلی آزمایش، تقریرات درس حقوق جزای عمومی، مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا، مبحث مجازات، نیمسال دوم ۷۳-۷۴، ص ۲۲)؛ به نقل از: (عباسی، ۱۳۹۰) 1. protective crime

هم به خاطر جرم اضافی تبانی مجرم شناخته می‌شوند. حتی اگر تنها یک طرف، جرم مورد نظر را مرتکب شود تمامی ایشان به صورت یکسان به علت تبانی مجرم خواهند بود... این ایده در بحث معاونت تأثیر زیادی گذاشته است. در یک پرونده، یکی از تبانی کنندگان که دستگیر و زندانی شده بود به خاطر جرایم ارتكابی توسط طرف دیگر که هنوز آزاد بود مسئول شناخته شد.» (فلچر، ۱۳۸۹: ۳۲۲)

به هر حال اگر برای پیوستگی دو جرم نزد قانونگذار ترجیحی وجود می‌داشت باید آنها را ذیل حکم واحد بیان کرده و لازم بود در یک ماده قانونی و تحت لوای یک مجازات آنان را قرار می‌داد. همچنان که در جرائم شامل این چنین نموده است.

۳- در حقوق کیفری اصل بر عدم تداخل مجازات‌ها است زیرا «حقوق کیفری، مجازات را اثری دانسته که بر ارتکاب جرم مترتب می‌شود؛ پس ارتکاب هر جرمی سببی است که مسبب آن مجازات است. هر سبب نیز در ایجاد مسبب خود به نحو استقلال عمل می‌کند مگر آن که دلیل یا قرینه ای خلاف آن وجود داشته باشد. بنابراین در فرضی که اسباب مختلفی وجود دارند هر یک مستقلاً در ایجاد مسبب خود تأثیر خواهد داشت در عین اینکه هیچ یک نافی تأثیر دیگری نخواهد بود؛ چراکه قضیه شرطیه تنها افاده ترتب جزا بر شرط می‌کند. پس در فرض تعدد جرایم، هر جرمی مقتضی اعمال مجازات قانونی خود است؛ لذا نه جرایم و نه مجازات‌ها هیچ کدام در یکدیگر تداخل نمی‌کنند و اصل بر تجمیع مجازات‌ها می‌باشد. البته در جایی که مجازات‌ها تکویناً قابلیت تکرار ندارند، مانند فرض اعدام که بدیهی است در عمل یک مجازات بیشتر اعمال نمی‌شود. اگر تعدد ارتکاب جرم ناظر به جرایم مختلف باشد اسباب در یکدیگر تداخل نکرده و مجازات‌ها با یکدیگر جمع شده و به موقع اجرا گذاشته می‌شوند.» (ذاکر حسین، ۱۳۸۸: ۳۰) پس در اینجا مقتضای اصل «عدم تداخل» بوده و لذا تنها در مواردی که دلیلی بر تداخل وارد شده باشد، به آن دلیل یا نص خاص عمل می‌شود و در صورت فقدان دلیل، به اصل عدم تداخل عمل خواهد شد. با این وصف در موضوع مورد بحث که تعدد مادی یا تداخل جرایم در یکدیگر مطرح است و اختلاف در تجمیع مجازات‌ها و یا حکم به مجازات واحد می‌باشد، در نهایت شک و تردد بین این دو مقوله پیش می‌آید که در این صورت لازم است به اصل رجوع شود و همانگونه که گذشت در این مجال تمسک به اصل عدم تداخل مجازات‌ها و در نتیجه تعدد مادی جرایم مرتبط مرجح و پسندیده است.

۴- با توجه به استدلال قبل عملاً استدلال آخر مخالفین تعدد جرم نیز که تمسک به تفسیر مضیق را به عنوان دلیل خویش ابراز نموده‌اند پاسخ داده می‌شود. چرا که تفسیر

مضیق، اصلی عملی است و مجرای آن شک است و دادرس پس از آنکه از هیچ طریق مجاز^۱ نتوانست به مراد مقنن دست یابد و تردید خود را برطرف نماید باید بر اساس این اصل به تفسیر قانون پردازد، مشروط بر آن که چنین تفسیری به زیان متهم نبوده باشد. (قیاسی، ۱۳۷۹: ۱۲۹) با این وجود هنگام پدید آمدن شک و تردید در تعدد مادی یا غیر آن با وجود اصل عدم تداخل، دیگر به عنوان آخرین راه حل، نوبت به تمسک به اصل تفسیر مضیق نمی‌رسد.

۵- با بررسی متون قانونی که می‌توانند ارتباطی با جرایم مرتبط داشته باشند، آنچه که به ذهن متبادر می‌گردد این است که قانونگذار نیز تمایل به تلقی تعدد مادی در جرایم مرتبط دارد. چرا که موردی یافت نگردید که تصریحی به تداخل مجازات‌ها در موارد ارتباط، شده باشد؛ مگر اینکه عنوان جدیدی برای مجموع جرایم ارتكابی جعل شده باشد که توضیح آن با عنوان «جرم شامل» گذشت. این در حالیست که در مواردی با وجود ارتباط بین جرایم، قانونگذار تصریح به جمع مجازات‌ها داشته است. به عنوان مثال در ماده ۶۳۴^۲ قانونگذار نظر به این سیاق داشته است. (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۳۵۵) نمونه دیگر در ماده ۵۴۷^۳ است که به حکم جمع مجازات‌ها تصریح شده است. در قانون جدید مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز که در سال ۱۳۹۲ به تصویب رسیده اراده قانونگذار مبنی بر تلقی تعدد مادی در جرایم مرتبط کاملاً مشهود است؛ کما اینکه در فصل ششم قانون مذکور - تحت عنوان جرایم مرتبط - در صورت ارتكاب جرمی مرتبط با جرم قاچاق توسط مرتکب، حکم قانونگذار جمع مجازات جرم قاچاق با جرم ارتكابی مرتبط است.^۴

۱. قید مجاز، برای پرهیز از طرق غیر مجاز همچون قیاس ظنی است.

۲. ۶۳۴: «هرکس بدون مجوز مشروع نبش قبر نماید به مجازات حبس از سه ماه و یک روز تا یکسال محکوم می‌شود و هرگاه جرم دیگری نیز با نبش قبر مرتکب شده باشد به مجازات آن جرم هم محکوم خواهد شد».

۳. ماده ۵۴۷: «هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید به شلاق تا (۷۴) ضربه یا سه تا شش ماه حبس محکوم می‌شود و اگر برای فرار درب زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد، علاوه بر تامین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

۴. ماده ۳۳- هرکس در اسناد مثبت گمرکی اعم از کتبی یا رقومی (دیجیتالی)، مهر و موم یا پلمب گمرکی و سایر اسناد از قبیل اسناد سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی، مؤسسه ملی استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ثبت سفارش و سایر مجوزهای مورد نیاز صادرات و واردات، شناسه کالا و رهگیری، مرتکب جعل گردد و یا با علم به جعلی بودن، آنها را مورد استفاده قرار دهد، حسب مورد علاوه بر مجازات حبس مذکور در قانون مجازات اسلامی به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر ارزش کالای موضوع اسناد مجعول محکوم می‌شود.

ماده ۳۴- در صورتی که شخص حامل یا مالک کالا و یا ارز قاچاق، در مواجهه با مأموران کاشف به هر نحوی مقابله یا مقاومت نماید، اگر عمل مذکور از مصادیق دست بردن به سلاح و سلب امنیت مردم نباشد علاوه بر

نتیجه گیری

جرایم مرتبط در معنای خاص از جمله مباحثی است که بدلیل بلاتکلیفی قانونی، باب ابراز نظرات و برداشت‌های متفاوتی را گشوده است. با بررسی رویه قضایی و جستجو در میان نظریات حقوقدانان، در مجموع نظریات ابرازی در موضوع مذکور سه طریق کلی مشهود است؛ در یک دیدگاه تمایل به سمت جرم واحد بوده و با تعدد مادی جرم و در نتیجه با آثاری که بر آن بار می‌شود، مخالفت شده است. در دیدگاه دوم، در جرایم مرتبط، حکم به تعدد معنوی شده و آثار ناشی از آن را برای این دسته از جرایم مورد پذیرش قرار می‌دهند و در نهایت از دیدگاه سوم جرایم مرتبط در قالب تعدد مادی جرم تفسیر شده و عمل به حکم قانون در صورت تعدد مادی به صواب نزدیک‌تر دانسته شده است. پس از بررسی ادله نظریات مطرح به نظر می‌رسد از میان دیدگاه‌های موجود، برای حل مسأله جرایم مرتبط، با توجه به اصول حقوقی، نظریه سوم که قائل به حکم به تعدد مادی در هنگام حدوث جرایم مرتبط در معنای خاص است، منطقی‌تر و مناسب‌تر می‌باشد.

منابع و مأخذ:

۱. آخوندی، محمود (۱۳۶۵)، **آیین دادرسی کیفری**، جلد اول، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲. اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات (۱۳۸۲)، **مجموعه قانون مجازات اسلامی**، تهران: انتشارات معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری.
۳. آزمایش، سیدعلی (نیمسال دوم ۷۴-۷۳)، **تقریرات درس حقوق جزای عمومی**، مقطع کارشناسی ارشد حقوق جزا، مبحث مجازات.
۴. آزمایش، سید علی (سال تحصیلی ۷۸-۷۷)، **تقریرات حقوق جزای اختصاصی**، جزوه پلی کپی، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
۵. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۷)، **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، تهران: انتشارات میزان.
۶. استفانی، گاستون و دیگران (۱۳۸۳)، **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، ترجمه حسن دادبان، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۷. ایرانی ارتباطی، بابک (۱۳۸۶)، **مجموعه نظرهای مشورتی جزایی**، ج اول، تهران: انتشارات مجد.
۸. باهری، محمد (۱۳۸۹)، **نگرشی بر حقوق جزای عمومی**، تهران: انتشارات مجد.

مجازات‌های مقرر برای ارتکاب قاچاق، به شش ماه تا دو سال حبس و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم میشود.

ماده ۳۵- در صورتی که مأموران دستگاههای کاشف یا وصول درآمد‌های دولت، خود مرتکب قاچاق شوند و یا شرکت یا معاونت در ارتکاب نمایند، علاوه بر مجازات قاچاق مقرر در این قانون به مجازات مختلس نیز محکوم می‌شوند.

۹. پورهمایون، علی اصغر (۱۳۱۹)، «تعدد و یا وحدت بزه در مورد جعل و استفاده از سند مجعول»، **مجله مجموعه حقوقی**، شماره ۱۶۰، صص ۴۱۳-۴۰۸.
۱۰. پیمانی، ضیاءالدین (۱۳۷۴)، **بررسی تاریخی و تطبیقی قاعده تعدد جرم**، چاپ اول، قم: معاونت پژوهشی مجتمع آموزش عالی قم.
۱۱. حبیب زاده، محمدجعفر (بی تا)، **کلاهبرداری در حقوق ایران**، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه شاهد.
۱۲. حسینی، سیدمحمدرضا (۱۳۸۹)، **قانون مجازات اسلامی در روبه قضایی**، تهران: انتشارات مجد.
۱۳. ذاکر حسین، محمد هادی (۱۳۸۸)، «چشم انداز تعدد جرم از افق مبانی فقهی»، **ماهنامه دادرسی**، شماره ۷۳، از صص ۳۱-۲۵.
۱۴. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۲)، «تحلیلی بر مقررات تعدد جرم و دشواری‌های آن»، **فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوقی**، شماره ۲۸ و ۲۹، صص ۳۷-۹.
۱۵. زراعت، عباس (۱۳۸۷)، **شرح قانون مجازات اسلامی**، بخش کلیات، تهران: انتشارات ققنوس.
۱۶. شکری، رضا و سیروس، قادر (۱۳۸۲)، **قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی**، تهران: نشر مهاجر.
۱۷. طاهری نسب، سید یزداله (۱۳۸۱)، **تعدد و تکرار جرم در حقوق جزا**، تهران: انتشارات دانشور.
۱۸. عابد، رسول (۱۳۹۱)، «ضابطه‌ای برای اختلاف جرایم در اعمال قاعده تعدد مادی جرم»، **نشریه پیام آموزش**، سال نهم، شماره ۵۵، صص ۴۷-۲۵.
۱۹. عباسی، مصطفی (دهم بهمن ۱۳۹۰)، «تعدد معنوی در جرایم تعزیری»، تاریخ استخراج (اول مرداد ۱۳۹۲) از: <http://mostafaabasi2.blogfa.com/post-11.aspx>
۲۰. عبده بروجردی (۱۳۱۹)، **اصول قضایی (قسمت جزایی)**، تهران: چاپ تابان.
۲۱. علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۶۷)، **حقوق جنایی**، جلد ۲، چاپ اول، تهران: انتشارات فردوسی.
۲۲. فلچر، جرج پی (۱۳۸۹)، **مفاهیم بنیادین حقوق کیفری**، ترجمه سید مهدی سیدزاده ثانی، چاپ دوم، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۲۳. قیاسی، جلال الدین (۱۳۸۸)، «بررسی وحدت یا تعدد جرم در حالت تعدد نتیجه»، **مجله فقه و حقوق**، شماره ۲۰، صص ۱۴۸-۱۳۳.
۲۴. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴)، **بایسته‌های حقوق جزای عمومی**، چاپ دوازدهم، تهران: نشر میزان.
۲۵. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۹)، **جرایم علیه اموال و مالکیت**، چاپ سی و یکم، تهران: نشر میزان.
۲۶. نوربها، رضا (۱۳۸۱)، **زمینه حقوق جزای عمومی**، چاپ ششم، تهران: کتابخانه گنج دانش.